

The Role of Prophet Moses's (AS) Story in Stabilizing the Heart of the Prophet (PBUH) Based on Surah An-Naml

Received: 2023/07/05
Accepted: 2023/08/06

10.22034/JKSL.2023.365075.1200
20.1001.1.27833356.1402.4.4.2.9



*Khadijeh Ahmadi Bigesh
**Zeinab Tabrizchi

Type of Article: Promotional

Abstract

The Quran, gradually revealed, provided continuous support and reinforcement for the spiritual and emotional well-being of the Prophet (PBUH). According to verse 120 of Surah Hud, narrating the divine stories of prophets in the Quran was a deliberate strategy to fortify the heart of the Prophet (PBUH) and believers. This research aims to explore how the story of Prophet Moses (AS) in Surah An-Naml contributed to stabilizing the heart of the Prophet (PBUH). A descriptive-analytical examination indicates that Allah took the narrative of Moses (AS) in Surah An-Naml to deliver two glad tidings to the Prophet (PBUH) and believers: the first being the support of Allah during the challenging social-economic age of some believers in the Shi'b Abi Talib and the migration of others to Abyssinia. The second glad tidings anticipated the downfall of the false front and the triumph of truth, symbolizing that although the believers were initially few in number at the start of the Prophet's (PBUH) mission, they would soon replace the disbelievers and polytheists, gaining control over the Arabian Peninsula. This assurance of continuous victory for the believers over the disbelievers throughout history serves as an undeniable sign of the truthfulness of the divine message. The heart of the Prophet (PBUH) and his followers is thereby stabilized, ensuring spiritual strength during the course of the mission and the establishment of a global Islamic society.



*.Assistant Professor, Department of Quran and Hadith, Faculty of Humanities, Tarbiat Modares University. (Corresponding Author). kh.ahmadi@modares.ac.ir

**Master's student in Quran and Hadith Sciences, Tarbiat Modares University, Tehran.



Keywords: Heart Stabilization, Prophet Muhammad (PBUH), Prophet Moses (AS), Surah An-Naml, Shi'b Abi Talib, Glad Tidings.

How to cite

Ahmadi Bigesh, K., Tabrizchi, Z. (2024). 1The Role of Prophet Moses's (AS) Story in Stabilizing the Heart of the Prophet (PBUH) Based on Surah An-Naml. *Quran, Culture And Civilization*, 4(4), 30-53. doi: 10.22034/jksl.2023.365075.1200

سال چهارم

شماره چهارم

پیاپی چهاردهم

زمستان ۱۴۰۲

نقش داستان حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَام بر تثبیت
قلب پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ براساس سوره نمل



* خلیجه احمدی بیفش

10.22034/JKSL.2023.365075.1200 doi

زینب تبریزی**

20.1001.1.27833356.1402.4.4.2.9

دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۱۷

پذیرش: ۱۴۰۲/۰۵/۱۵

مقاله: ترویجی

چکیده

قرآن کریم کتابی است که با نزول تدریجی آیاتش تقویت و حمایت مستمر قلبی و روحی پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را به دنبال داشت. براساس آیه ۱۲۰ سوره هود، بیان داستان‌های قرآنی انبیای الهی در هر مقطع، با هدف تثبیت قلب رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و مؤمنان طرح شد تا این رویدادهای تاریخی در مسیر رسالت، موجب ایجاد استواری قدم‌ها و نفوذ در دل و جان مخاطبان گردد. این پژوهش درصدد پاسخ‌گویی به این سؤال است که داستان حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَام در سوره نمل چگونه موجب تثبیت قلب پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ شده است. بررسی توصیفی تحلیلی این مسئله حاکی از آن است که خداوند متعال طرح ماجرای موسی عَلَيْهِ السَّلَام در سوره نمل را با هدف دو بشارت به پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و مؤمنان در پیش گرفت: بشارت نخست به مؤمنان بر یاری خداوند در شرایط طاقت‌فرسای محاصره اجتماعی اقتصادی عده‌ای از مؤمنان در شعب ابی طالب و هجرت عده‌ای دیگر به حبشه؛ بشارت دوم به نابودی جبهه باطل و غلبه حق، تا بیان دارد که گرچه مؤمنان در ابتدای دعوت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ جمعیتی اندک بودند، در آینده‌ای نزدیک جانشین اقوام کافر و مشرک می‌شوند و حاکمیت و تسلط بر شبه جزیره عربستان را به دست می‌آورند؛ ازاین‌رو، با اطمینان به غلبه مستمر مؤمنان بر کفار در طول تاریخ، نشانه‌ای غیرقابل انکار بر درستی پیام رسولان الهی مطرح می‌شود و با تثبیت قلب پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و پیروان او، استواری و استحکام روحی ایشان را در طی مسیر رسالت و ایجاد جامعه اسلامی جهانی فراهم می‌آورد.

*. استادیار گروه قرآن و حدیث دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس. (نویسنده مسئول)

kh.ahmadi@modares.ac.ir

**دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه تربیت مدرس تهران





واژگان کلیدی: تثبیت قلب، رسول الله ﷺ، حضرت موسی ﷺ، سوره نمل، شعب ابی طالب، بشارت.

استناد به این مقاله:

احمدی بیغش، خدیجه، تبریزچی، زینب. (۱۴۰۲). نقش داستان حضرت موسی ﷺ بر تثبیت قلب پیامبر ﷺ براساس سوره نمل. فصلنامه قرآن، فرهنگ و تمدن، ۴(۴)، ۳۰-۵۳. doi: 10.22034/jksl.2023.365075.1200



۱. بیان مسئله

قرآن کریم پاره‌ای از معارف خویش را به بیان داستان‌های لطیفی که ریشه در فطرت انسان دارد، اختصاص داده است. خداوند هیچ‌گاه این مفاهیم را در لوای استدلال‌های منطقی محض به کار نبرده، بلکه با زبانی احساس‌برانگیز و ترسیم‌گر با مخاطبان خویش سخن رانده و چنان صحنه‌ها را آشکارا به تصویر کشیده که انسان خود را در برابر آن رویدادها حاضر می‌بیند و حتی در او واکنش عاطفی او برمی‌انگیزد. بر مبنای نص صریح قرآن، هدف از بیان داستان‌های انبیای الهی در آیات تثبیت قلب مظهر رسول‌الله ﷺ و ارائه طریق در عبور از مسائل و بحران‌های پیش‌رو بوده است؛ از این‌رو، ایشان را به اقتدا از هدایت آنان دعوت می‌کند. بخشی از داستان قرآنی حضرت موسی ﷺ، در سوره نمل واقع شده است. سوره نمل دارای ۹۳ آیه و چهل و هشتمین سوره نازل شده بر قلب رسول‌الله ﷺ در مکه است که بعد از سوره شعرا و قبل از سوره قصص فرود آمده و و بیست و هفتمین سوره در ترتیب کنونی مصحف است (ابوشبهه، ۱۴۲۳ق، ۲۱۹-۲۲۷؛ حکیم، ۱۴۱۷ق، ۴۳-۶۵؛ خطیب، ۱۴۲۴ق، ج ۱، ۶۳۲-۶۴۴). عناصر محوری این سوره، افزون بر بشارت و انذار مؤمنان، بر اصولی چون توحید و وحدانیت خدا در ربوبیت، نبوت و معاد و خطوط جامع اخلاقی و حقوقی تأکید دارد که بخشی از معارف آن‌ها در قالب قصه‌های قرآنی پیامبرانی چون موسی ﷺ، داوود ﷺ، سلیمان ﷺ، صالح و لوط ﷺ پردازش شده است. در سه داستان موسی ﷺ، داوود ﷺ و سلیمان ﷺ وعده الهی برای مؤمنان بر وعیدش غلبه یافته و در دو قصه صالح ﷺ و لوط ﷺ جانب وعید بیشتر رعایت شده است. پژوهش حاضر با روش توصیف و تحلیل، به چگونگی نقش ماجرای حضرت موسی ﷺ در سوره نمل بر تثبیت قلب پیامبر ﷺ پرداخته است. از مهم‌ترین نگاه‌های مرتبط با این موضوع می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

مقاله «روش‌شناسی قصص قرآن کریم» نوشته علی اصغر اکبریان که روش‌های مختلف قرآن در بیان داستان‌های پیشینیان را بررسی کرده است؛ مقاله «رویکردی نو در تفسیر بر اساس ترتیب نزول»، نوشته عبدالکریم بهجت‌پور که در تبیین روش تنزیلی قرآن، تنها به نقش نزول تدریجی آن بر تثبیت قلب پیامبر ﷺ اشاره شده است؛ مقاله «معناشناسی "فؤاد" در قرآن کریم» نوشته مهدی حسن زاده که تنها واژه فؤاد (قلب) را به لحاظ معناشناسی بررسی کرده است؛ مقاله «بررسی شیوه‌های تربیتی در سوره نمل» نوشته فاطمه صادقی که مبنای و اصول و روش‌های تربیتی را بر



اساس سوره نمل مستندسازی نموده است؛ مقاله «تکرار در قصه‌های قرآن از دیدگاه عبدالکریم خطیب با تکیه بر داستان حضرت موسی (ع)» نوشته عبدالله فروزان فر که نقش تکرار در داستان‌های مختلف قرآنی را بررسی کرده است؛ مقاله «نگاهی به قصه، اهداف و ویژگی‌های آن در قرآن» نوشته مجید معارف که اهداف و ویژگی‌های کلی داستان‌های قرآنی را بدون پرداختن به نقش آن‌ها در تثبیت قلب پیامبر (ص) بررسی کرده است؛ پایان‌نامه کارشناسی ارشد با عنوان تأثیر تداوم وحی در تثبیت قلب پیامبر اکرم (ص) و بررسی آیات قرآنی مربوط به آن، نوشته مهدی حسینی که نزول تدریجی وحی را عامل تثبیت قلب رسول الله (ص) معرفی کرده و به دیگر ابعاد تثبیت قلب اشاره ننموده است.

بر این اساس، نوشته‌ای که نقش داستان حضرت موسی (ع) بر تثبیت قلب پیامبر (ص) را با محوریت سوره نمل بررسی کرده باشد، یافت نشد.

۲. مفهوم تثبیت قلب

عبارت تثبیت قلب متشکل از دو واژه «تثبیت» و «قلب» است. «تثبیت» مصدر باب تفعیل، مقابل زوال و نابودی (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۸، ۲۸۳؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ۱۴۱؛ مصطفوی، ۱۳۶۸ش، ج ۲، ۶؛ راغب اصفهانی، ۱۳۸۸ش، ۳۵۲) و به معنای «تثبیت الشی هو ثباتاً» (ابن فارس، ۱۳۹۹ق، ج ۲، ۳۰۹)، بر استواری و مداومت بدون شبیه در چیزی دلالت دارد (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ۱۹). قرآن تثبیت را به معنای استقرار و دوام موجودی در بصیرت، فهم یا عمل (راغب اصفهانی، ۱۳۸۸ش، ۳۶۰)، بدون کوچک‌ترین تزلزلی در تحمل شداید (انصاری، ۱۳۷۱ش، ج ۶، ۴۵۶) می‌داند؛ مانند: «وَوَثِّبْتُ أَقْدَامَنَا...» (بقره: ۲۵۰) یا: «فَتَثْبُتُ الَّذِينَ آمَنُوا» (انفال: ۱۲) که اشاره به ثبات و استمرار در انجام کار دارد.

«قلب» در انسان به معنای مرکز درک و فهم او به منظور اکتساب اعمال است (طریحی، بی‌تا، ج ۲، ۱۹۶). قرآن این واژه را معمولاً در کنار مفاهیم دیگری چون چون عقل، روح، نفس، فطرت، اراده و اختیار (طبرسی، ۱۳۷۵ش، ج ۳، ۱۸۱) به منظور بیان نسبت فهم و درک استعمال کرده است. آیات «وَجَعَلْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ يَفْقَهُوهُ...» (اسراء: ۴۶) و «وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ» (آل عمران/۱۵۹) و: «وَلَكِنْ يُؤَاخِذُكُمْ بِمَا كَسَبَتْ قُلُوبُكُمْ» (بقره: ۲۲۵) بدین امر اشاره دارد.



بنابراین، تثبیت قلب به معنای تقویت و استقرار قلب به صورت علمی و عملی است؛ بدین صورت که در جنبه علمی با رفع هرگونه اضطراب، نگرانی، شک و جهل، ابعاد گسترده‌ای را در عزم عملی مستحکم برای قدم نهادن در مسیر حق و مبارزه با فساد دربردارد (جوادی آملی، ۱۳۹۵، ش ۱، ج ۳۹، ۶۴۸)؛ ازاین‌رو، تثبیت قلب به‌عنوان یک دستورالعمل کلی، می‌تواند مواجهه با شرایط جدید و پیچیده را هموار نماید.

۳. مستندات قرآنی تثبیت قلب پیامبر ﷺ

قرآن کریم صراحتاً در آیه ۱۲۰ سوره هود و به‌عنوان مؤید آن در آیه ۹۰ سوره انعام، تثبیت قلب پیامبر ﷺ در داستان‌های قرآنی انبیای الهی را طرح کرده است. خداوند متعال در آیه ۱۲۰ سوره هود می‌فرماید: «وَكَلَّا نَقُصُّ عَلَيْكَ مِنْ أَنْبَاءِ الرُّسُلِ مَا نُثَبِّتُ بِهِ فُؤَادَكَ...». سوره هود پنجاه و دومین سوره‌ای است که تقریباً در ابتدای دوران حضور رسول الله ﷺ و مؤمنان در شعب ابی طالب، بر پیامبر نازل شد (معرفت، ۱۳۷۱، ش ۲، ج ۱۶۶). این دوران از سخت‌ترین دوران‌های زندگی رسول الله ﷺ بود که فشارها و تبلیغات خشن و زهرآگین دشمن بیش از هر زمان دیگر احساس می‌شد. در عبارت «نُثَبِّتُ بِهِ فُؤَادَكَ»، «فؤاد» به معنای قلب و نیروی شهودی است که صفات و ذاتیات خود را نه از طریق حس و فکر و دلیل، بلکه از طریق علم شهودی دریافت می‌کند (حسینی همدانی، ۱۴۰۴، ج ۸، ۵۳۵). قلب رسول الله ﷺ با شنیدن وقایع انبیا و امت‌های گذشته، بیش‌ازپیش ثبات، اطمینان، آرامش و تسلی می‌یافت (طبرسی، ۱۳۷۵، ش ۳، ج ۱۸۱؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ش ۹، ج ۱۲)؛ بنابراین حکمت داستان‌های انبیای الهی در قرآن، آرامش و ثبات قلب پیامبر ﷺ، ارائه طریق، تذکر، یادآوری برای مؤمنان و اتمام حجت بر کافران و مخالفان و تأکید بر پیروزی حق بر باطل در طول تاریخ بوده است (قرشی، ۱۳۷۵، ش ۵، ج ۷۱؛ مغنیه، ۱۳۷۸، ش ۴، ج ۴۴۶).

خداوند در آیه ۹۰ سوره انعام نیز می‌فرماید: «أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ فَبِهِدَاهُمْ أَقْتَدِهِ...». سوره انعام پنجاه و پنجمین سوره نازل‌شده بر رسول الله ﷺ در سال‌های پایانی حضور ایشان در مکه است. در این آیه، خداوند از رسول الله ﷺ دعوت می‌کند که به‌منظور احترام گذاشتن به انبیای الهی، به هدایت ایشان اقتدا نماید (طباطبایی، ۱۳۷۴، ش ۷، ج ۳۶۲). «اقتدا» از ریشه «قُدْوَة» به معنای پذیرش داوطلبانه راه و رسم و پیروی از فکر دیگران است؛ ازاین‌رو، رسول الله ﷺ را دعوت به

اقتدا به هدایت انبیای گذشته می‌کند نه اقتدا به خودشان (شاه‌عبدالعظیمی، ۱۳۶۳ ش، ج ۳، ۳۲۶؛ کاشانی، ۱۳۸۶ ش، ج ۲، ۲۰)؛ چراکه شریعت رسول‌الله (ص) مهیمن بر سایر شرایع الهی و ناسخ آن و کتابش حاکم بر دیگر کتب آسمانی است (حسینی همدانی، ۱۴۰۴ ق، ج ۶، ۲۳؛ مدرسی، ۱۳۹۸ ش، ج ۳، ۳۰۸).

چنان‌که بیان شد، ثبوت در عمل به انجام نمی‌رسد، مگر اینکه فرد به اطمینان و آرامش قلبی و درونی رسیده باشد (کازمی، ۱۳۷۹ ش، ۸). خداوند متعال پیامبرانش را همواره با مدد خویش، در مسیر رسالتشان یاری نمود تا به خوبی بتوانند اهداف رسالتشان را که همانا هدایت امت‌ها به سوی سعادت و کمال است، محقق کنند. این امر موجب می‌شد تا پیامبران با برخورداری از امدادهای غیبی، بر سختی‌ها و مشقت‌های مسیر رسالتشان فائق بیایند و در مسیر الهی مستحکم قدم گذارند و به خوبی هادی امت‌های خویش باشند. خداوند متعال در جای‌جای قرآن، با شیوه‌هایی نظیر طرح داستان‌های انبیای الهی برای پیامبر (ص)، درصدد تثبیت و دل‌جویی و تثبیت قلب ایشان بوده است؛ از این‌رو، طرح داستان‌های انبیای الهی در قرآن و دعوت پیامبر (ص) به اقتدا به هدایت پیامبران گذشته، نه تنها ذره‌ای به شأنیت ایشان خدشه وارد نمی‌کند، بلکه نوعی شرافت مقامی برای پیامبر (ص) و تأکید بر سختی راه رسالت ایشان نسبت به سایر انبیا و لزوم پشتیبانی و معاضدت ایشان نیز محسوب می‌گردد (فنادی، ۱۳۸۹ ش، ۴۸). همچنین، تثبیت قلب پیامبر (ص) موجب تثبیت قلب امت او در راه خدا و استقامت در برابر سختی‌ها و دشمنی‌های معاندان نیز می‌شود؛ از این‌رو، مقصود از تثبیت قلب رسول‌الله (ص)، استوار ساختن و تقویت روحی آن حضرت است تا در انجام وظایف رسالت و تحمل مشکلات طاقت فرسای آن خللی رخ ندهد (مصباح یزدی، ۱۳۸۷ ش، ۱۰۱) و حضرت بتواند رسالت الهی را با تمام توان به سر منزل مقصود برساند.

۴. مختصات و غرض سوره نمل

سوره نمل به اتفاق دانشمندان علوم قرآنی، سوره‌ای مکی و در تمامی روایات مستند، چهل و هشتمین سوره نازل شده، پس از سوره شعراء و پیش از سوره قصص است. جالب آنکه در ترتیب مصحفی نیز سوره نمل بعد از سوره شعراء و قبل از سوره قصص و در جزء نوزدهم قرآن واقع شده است (صبحی صالح، ۱۳۷۲ ش، ۱۶۷-۱۸۶؛ ابوشهبه، ۱۴۲۳ ق، ۲۱۹-۲۲۷؛ خضری، ۱۳۹۲ ش، ۷-۱۹؛ بهجت‌پور، ۱۳۹۰ ش، ج ۴، ۱۳۸). سوره نمل با ۹۳ آیه، سوره‌ای است که در حدود



سال‌های ششم یا هفتم بعثت و همزمان با محاصره عده‌ای از مسلمانان در شعب ابی طالب و هجرت عده‌ای دیگر به حبشه نازل شد (بلاذری، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ۲۳۶؛ یوسفی غروی، بی تا، ج ۱، ۵۳۹).

پیامبر ﷺ با مقاومت اجتماعی شدید مردم لجوج مکه و قومش و با اتهامات و سوءظن‌هایی مواجه بود که موجب کاهش نفوذ کلامش در جامعه می‌شد (یوسفی غروی، بی تا، ج ۱، ۳۷۰-۳۷۲)؛ اما او مأموریت داشت در هر فرصتی ایشان را به تسلیم شدن در برابر خود و دعوتش دعوت کند (حاکم حسکانی، ۱۴۱۱ق، ج ۱، ۵۴۳). تعصبات قبیلگی و کینه و حسادت مکیان و قریشیان تا آنجا ادامه یافت که دشمنی‌های خود علیه پیامبر ﷺ و مؤمنان را با محاصره شدید اقتصادی اجتماعی در شعب ابی طالب ادامه دهند (سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۵، ۹۵-۹۸). با سخت شدن این شرایط در محاصره شعب ابی طالب، پیامبر ﷺ دستور داد عده‌ای از مسلمانان به حبشه هجرت کنند (بهجت پور، ۱۳۹۰ش، ج ۴، ۱۲۶-۱۲۸)

بخش زیادی از آیات سوره نمل به طرح مقطعی از ماجرای زندگانی چهار پیامبر الهی، موسی ﷺ، سلیمان ﷺ، صالح ﷺ و لوط ﷺ، اختصاص یافته است. محتوای این سوره کاملاً با مقتضیات زمانش از جمله ماجرای هجرت به حبشه و محاصره در شعب ابی طالب هماهنگ بود. غرض این سوره هدایت جامعه کوچک و نوپای مؤمنان مکه است؛ از این رو، موضوعات و مسائل این سوره با طرح معارفی چون انذار مشرکان و برحذر داشتن ایشان از گمراهی، بشارت و هدایت و دلگرمی به مؤمنانی در شدیدترین شرایط فشار روحی و فقر مالی، مقاومت در سختی تا رسیدن به پیروزی و غلبه حق بر باطل در آینده نزدیک و شکست قطعی معاندان و کافران و امید به عنایت پروردگار (بهجت پور، ۱۳۹۰ش، ج ۴، ۱۳۷)، درصدد تحقق غرض بشارت و هدایت و تقویت پیامبر ﷺ و مؤمنان در دوران غربت اسلام با تربیتی قرآنی است.

۵. داستان حضرت موسی ﷺ در سوره نمل

سوره نمل حاوی چهار نمونه تاریخی از قدرت‌هایی است که در مقابل پیامبران الهی ﷺ و گروه اندک مؤمنان صف کشیده و به انحاء گوناگون، طعم تلخ شکست را چشیدند. با توجه به غرض این سوره، جریان رسالت موسی ﷺ از آغاز دعوت تا سرانجام تکذیب عامدانه و آگاهانه فرعونیان، با هدف بیان وعده بشارت به پیامبر ﷺ و مؤمنان در عبارت «هُدًى وَبُشْرَى لِلْمُؤْمِنِينَ» (نمل: ۳)،

در آیات ۷ تا ۱۴ طرح شده، تا جامعه مؤمنان از واقعیت وضع ایشان آگاهی یابد. همراهی دو واژه «هُدًى» و «بُشْرَى» با «مُؤْمِنِينَ» را که در کل قرآن، تنها در این آیه شاهدیم.^۱ به منظور مبالغه، این دو در معنای مصدری یا اسم فاعل طرح شده (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۵، ۴۸۱) تا به قرآن و معارف هدایت‌کننده آن اشاره کند (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۲۴، ۵۴۰؛ طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۷، ۳۲۹؛ بحرانی، ۱۴۱۵ق، ج ۴، ۲۱۰؛ طوسی، ۱۴۱۳ق، ج ۸، ۷۴). با وجود عمومیت هدایت الهی برای همه بشر، این هدایت را به‌عنوان حد و مشخصه صراط مستقیم، تنها به مؤمنان بشارت داده است (فضل‌الله، ۱۴۱۹ق، ج ۱۷، ۱۸۴)؛ زیرا این هدایت، بدون هرگونه شک و شبهه‌ای و از راه یقین، تنها برای ایمان‌آوردگان و تصدیق‌کنندگان حقیقی قلبی و عملی خداوند متعال حاصل می‌شود (صادقی‌تهرانی، ۱۳۶۵ش، ج ۲۲، ۱۳۴)؛ در نتیجه با بشارت، تنها به مؤمنان مژده داده است (آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۰، ۱۵۲؛ رازی، ۱۳۷۲ش، ج ۱۵، ۴) تا ایشان را در مسیر هدایت الهی استوار و ثابت‌قدم نماید؛ بر این اساس، ما در ادامه، به ترتیب آیات و در دو مرحله، نقش این داستان بر تثبیت قلب پیامبر (ص) را بررسی می‌کنیم:

مرحله اول: وعده یاری الهی به مؤمنان که به‌عنوان مهم‌ترین عامل برای قوت قلب و استحکام گام‌های پیامبر (ص) و مؤمنان مکی است که در اقلیت بودند؛

مرحله دوم: وعده نابودی باطل تا هشدارى به مشرکان لجوجى باشد که باید سرانجام کار خویش را در عبرت از طاغیان گذشته ببینند.

در وعده الهی به بشارت، این دو مؤلفه نه‌تنها می‌تواند در مورد عصر موسی (ع) و عصر نزول قرآن اثربخش باشد، بلکه در تمامی جوامع بشری عامل مهمی در ایجاد و تقویت امید و انگیزه در میان افراد را فراهم می‌کند و زمینه‌های کارآمد و مؤثری را برای تحول‌آفرینی در افراد و اجتماع تحقق می‌بخشد.

۵-۱. بشارت به یاری الهی

بخش اول از داستان موسی (ع) در سوره نمل، شامل سه آیه است: «إِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِأَهْلِهِ إِنِّي آنَسْتُ نَارًا سَاتِيكُمْ مِنْهَا بِخَبَرٍ أَوْ آتِيكُمْ بِسَهَابٍ قَبَسٍ لَعَلَّكُمْ تَصْطَلُونَ. فَلَمَّا جَاءَهَا نُودِيَ أَنْ بُورِكَ مَنْ فِي النَّارِ وَمَنْ حَوْلَهَا وَسُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ. يَا مُوسَىٰ إِنَّهُ أَنَا اللَّهُ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ»

۱. در مواضع دیگر همراهی کلماتی چون «هدی» و «بشری» را با «مسلمین» را شاهدیم: «وَهُدًى وَرَحْمَةً وَبُشْرَىٰ لِلْمُسْلِمِينَ» (نحل: ۸۹)، یا «هدی» و «رحمة» با «محسنین» همراه شده است: «هُدًى وَرَحْمَةً لِّلْمُحْسِنِينَ» (لقمان: ۳).



این آیات به حساس‌ترین لحظات زندگی موسی علیه السلام، یعنی برانگیخته شدن نبوت (و نه رسول) (طیب، ۱۳۸۶ ش، ج ۱۰، ۱۱۲) و دریافت نخستین پیغام وحی الهی، پرداخته است (جوادی آملی، بی تا، ج ۶۲، ۱۷۳). او در شبی سرد و تاریک، همراه با همسرش دختر شعیب نبی علیه السلام به سمت مصر در حرکت بود که راه را گم کرد و گرفتار شد (قمی، ۱۴۱۰ ق، ج ۲، ۱۲۶؛ طبری، ۱۳۸۰ ق، ج ۱۹، ۸۱؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ ش، ج ۲۸، ۲۱۰). در این هنگام موسی علیه السلام در پی یافتن کمک یا فروختن آتش و استفاده از نور و گرمای آن، سرگردان روانه بیابان شد (بحرانی، ۱۴۱۵ ق، ج ۴، ۲۰۱)؛ اما چیزی نیافت (طبرسی، ۱۳۷۲ ش، ج ۷، ۲۱۱؛ طباطبایی، ۱۳۷۴ ش، ج ۲۰، ۲۰۵). تا اینکه در دل تاریکی و سرمای شب (فخر رازی، ۱۴۲۰ ق، ج ۲۴، ۵۴۳؛ آلوسی، ۱۴۱۵ ق، ج ۱۰، ۱۵۵) از دور شعله آتشی دید: «إِنِّي أَنَسْتُ نَارًا» و آن را دلیلی اطمینان‌آور بر وجود انسان یا انسان‌هایی دانست (زمخشری، ۱۴۰۷ ق، ج ۳، ۳۴۹؛ صادقی تهرانی، ۱۳۶۵ ش، ج ۲۲، ۱۳۹). به سوی آن آتش رفت تا آتش گرمی یا خبری آورد: «سَأْتِيكُمْ مِنْهَا بِخَبَرٍ أَوْ آيَاتٍمْ بِشِهَابٍ قَبَسٍ». با نزدیک شدن به آتش، درختی سبز و نورانی دید که آتش از دور و اطراف آن شعله‌ور بود (طوسی، ۱۴۱۳ ق، ج ۸، ۷۵؛ طبرسی، ۱۳۷۲ ش، ج ۷، ۲۱۱). نزدیک رفت تا مقداری از آن گرما را نزد همسرش ببرد؛ اما ندایی از میان درخت شنید: «فَلَمَّا جَاءَهَا نُودِيَ أَنْ بُورِكَ مَنْ فِي النَّارِ وَمَنْ حَوْلَهَا»^۱ (نمل: ۸) (راغب اصفهانی، ۱۳۸۸ ش، ج ۱، ۲۴۶). بعثت موسی علیه السلام و سخن خداوند با وی و گرفتن پیام رسالت در آن منطقه خشک و برهوت، همگی از نعم و برکات الهی بود (قرآنی، ۱۳۸۸ ش، ج ۱۰، ۲۰۹). گویی مراد از آن کسی که در آتش است، موسی علیه السلام و منظور از کسی که در اطراف آن قرار دارد، فرشتگان مقرب پروردگار (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ ش، ج ۱۰، ۲۴۱) یا انبیای قبل از ایشان (طبرسی، ۱۳۷۲ ش، ج ۷، ۲۱۱) بودند که در آن لحظه آن سرزمین مقدس را احاطه کرده و نبوت موسی علیه السلام را تصدیق کردند (جوادی آملی، بی تا، ج ۶۲، ۱۷۷). خداوند متعال با مخاطب قرار دادن موسی علیه السلام، خود را این‌گونه برای او معرفی کرد: «يَا مُوسَى إِنَّهُ أَنَا اللَّهُ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ» (نمل: ۹). خداوند در این آیه با معرفی خود برای موسای کلیم علیه السلام در عالی‌ترین مراتب که اختصاص به انبیا و اولیا الهی دارد و در موقعیتی که ظاهراً سراسر آن اضطراب و آشفتگی و تنهایی و تاریکی بود، ثبات و اطمینان خاطر قلبی برای او ایجاد کرد

۱. پس آنگاه که نزد آن [آتش] آمد، ندا داده شد که مبارک و پرخیر و برکت است آن کسی که در مکانی قرار دارد که آتش در آن مکان است.

(خطیب، ۱۴۲۴ق، ج ۱۰، ۲۱۰). بیان دو صفت «عزیز» و «حکیم»، علاوه بر آنکه لازمه ربوبیت و عزت و حکمت بود (ابن کثیر، ۱۴۱۹ق، ج ۶، ۱۶۲؛ قرائتی، ۱۳۸۸ش، ج ۱۰، ۱۲۳). زمینه‌ساز فرمان حرکت موسی علیه السلام به سمت فرعون مدعی عزت و سلطنت نیز بود؛ زیرا رفتن به سوی طاغوت و مسئولیت دعوت او به هدایت، به قدری دشوار بود که قطعاً یاری، مدد و تثبیت، اطمینان و اعتماد الهی را می‌طلبید (ثعلبی، ۱۴۲۲ق، ج ۷، ۱۸۹؛ طباطبایی، ۱۳۷۴ش، ج ۲۰، ۱۰۳)؛ از این رو، خداوند با دو وصف «عزیز» و «حکیم»، خود را یاری دهنده موسی علیه السلام و عامل مهم ایجاد اطمینان در تحقق وعده یاری می‌شناساند (جوادی آملی، بی‌تا، ج ۶۲، ۱۹۰) تا هرگونه شک و تردیدی از موسی علیه السلام برطرف شود و گمان نکند ندایی که از دل درخت به گوشش می‌رسد امری بشری است (فیض کاشانی، ۱۳۸۶ش، ج ۴، ۵۹؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ش، ج ۲۸، ۸۷)؛ بلکه بداند این خداوند عالمیان است که با او سخن می‌گوید، نه شعله آتش یا درخت: «وَسُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ».

رسول الله صلی الله علیه و آله از ابتدای بعثت، دعوت خویش را به صورت علنی اعلام نمود و در پی آن، مردان و زنانی به اسلام گرویدند. نزول قرآن موجب گسترش دعوت اسلام حتی به خارج از مکه شد (سیدحسینی، ۱۴۱۶ق، ۱۳۳). در این مدت، پیروان پیامبر صلی الله علیه و آله به دلیل ترس از آزار مشرکان، در مکان‌هایی دور از چشم آنان تجمع می‌کردند و به عبادت می‌پرداختند که در برخی موارد با اطلاع یافتن مشرکان از این تجمعات، کار به درگیری می‌انجامید (ابن‌هشام، بی‌تا، ج ۱، ۲۶۳؛ طبری، ۱۳۸۷ق، ج ۲، ۳۱۹). لذا پیامبر صلی الله علیه و آله با وجود علنی بودن رسالت از ابتدای بعثت، مسلمانان را که امکان بروز رفتار دینی آزادانه نداشتند و جمعیتشان غیرعلنی بودند، با رعایت احوالاتشان راهبری می‌کرد. این وضعیت ادامه داشت و آزار مشرکان به نهایت رسید. در طول این سال‌ها ۴۷ سوره بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شد (ابن‌هشام، بی‌تا، ج ۱، ۳۵۲). تعالیم الهی در طول این سور در حالی بود که پیامبر صلی الله علیه و آله از ابتدای رسالتش، بر دعوت علنی افراد به دین اسلام مبادرت ورزیدند؛ اما از همان ابتدای ابلاغ رسالت و نزول آیات قرآن، با مخالفت شدید مشرکان و کافران مکه روبه‌رو شدند؛ به‌گونه‌ای که مشرکان و کافران با ایجاد فضای رعب‌آور و خفقان، نهایت تلاش خود را برای خاموش کردن دین اسلام در نطفه به کار گرفتند (ابن کثیر، ۱۴۱۹ق، ج ۴، ۴۷۳)؛ لذا به‌منظور مراعات حال مؤمنان و پیروان پیامبر صلی الله علیه و آله، جمعیت ایشان مخفی و غیرعلنی بود. پس از آنکه رسول الله صلی الله علیه و آله دستور یافت به جمعیت مؤمنان را آشکار کند و عده مسلمانان رو به افزایش



گذاشت، مشرکان احساس خطر کردند (آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۷، ۳۲۷) و دست به آزار بیشتر مسلمانان زدند. آن‌ها از یک سو با محاصره اقتصادی اجتماعی رسول الله ﷺ و مسلمانان در شعب ابی طالب در حدود سال‌های ششم و هفتم (سید قطب، ۱۳۳۵ش، ج ۸، ۱۳۷)، هرگونه خرید و فروش و ارتباط قریشیان با مسلمانان را منع کردند. این امر سبب شد تا بنی هاشم نزد ابوطالب بروند و در شعب او گرد هم جمع شوند. این محاصره تا سال دهم بعثت و به مدت سه سال به طول انجامید (بهجت‌پور، ۱۳۹۰ش، ج ۴، ۱۳۷). در همین حین، رسول الله ﷺ به عده‌ای از مسلمانان متشکل از زنان و کودکان و افراد ضعیف‌تر دستور داد به رهبری جعفر بن ابی طالب به حبشه هجرت کنند. نجاشی پادشاه حبشه این گروه را مورد تفقد قرار داد (ابن سعد، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ۲۰۹؛ یوسفی غروی، بی تا، ج ۱، ۴۰۶-۴۰۷؛ شرف الدین، ۱۴۲۰ق، ج ۶، ۱۷۷).

این سه سال محاصره و هجرت، یکی از سخت‌ترین دوره‌های زندگی رسول الله ﷺ و مؤمنان بود. پرداختن به ماجرای رسالت موسی ﷺ در این آیات از سوره نمل، مصادف با این زمان و حوادث آن بود. مسئولیت رسول الله ﷺ در این دوران، تنها منحصر به رهبری و اداره یک جمعیت نبود؛ بلکه می‌بایست علاوه بر دفاع از دعوت خود نزد مؤمنانی که دچار محنت شده بودند، مشقت‌های طاقت‌فرسای یارانش را که اینک جمعیت کوچکی را شکل داده بودند نیز به‌خوبی مدیریت نماید (سید قطب، ۱۳۳۵ش، ج ۸، ۱۳۷)؛ زیرا در شرایط مناسب و طبیعی، همه کسانی که حول یک رهبر جمع می‌شوند از اوضاع راضینند؛ اما در دوران سختی و مشقت، افراد دچار تردید و به مسیر و شرایط معترض می‌شوند؛ البته مؤمنان دارای ایمان قوی از این حالت مستثنا هستند. به‌هر روی، تمامی سختی‌ها بر دوش رسول الله ﷺ بود (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۷۷/۲/۷).

آیات دسته اول از ماجرای رسالت موسی ﷺ، علاوه بر آنکه نوع تعامل خداوند با موسی ﷺ و ایجاد دلگرمی و پشتیبانی برای او را حکایت می‌کند، در زمانش نزول نیز موجبات انبساط خاطر و تثبیت قلب پیامبر ﷺ و مؤمنان را فراهم نمود. خداوند متعال در شرایط سخت زمان نزول این بخش از آیات سوره نمل، به‌منظور استواری و استقرار قلب رسول الله ﷺ، از شرایط مشابه پیامبر پیشین سخن گفته است. کوه طور که موسی ﷺ به همراه خانواده‌اش راه را در آنجا گم کرد، منطقه‌ای کوهستانی بود. موسی ﷺ برای تحقق یکی از دو مطلوب خود، یعنی راهنمایی یا برگرفتن

شعله‌ای از آتش برای گرما، وارد وادی طور شد؛ اما با رسالت برگشت.^۱ موسی در آن شب سرد و تاریک به امید آتش رفت؛ اما درحالی که امید نور نداشت، از دل ظلمت شب، نور نصیبتش شد. تطابق شرایط جغرافیایی این دو پیامبر الهی نشان می‌دهد که شبه جزیره عربستان نیز به لحاظ جغرافیای جزء مناطق سخت و طاقت‌فرسا برای زندگی بود (ابن‌سعد، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ۱۶۳؛ شهیدی، ۱۳۹۰ش، ۵۳؛ فراست‌خواه، ۱۳۷۶ش، ۱۹۲).

این مقایسه بیانگر شرایط آغازین نبوت هردو پیامبر است که هر کدام به نحوی سختی‌هایی را متحمل شدند؛ اما خداوند عزیز و حکیم رسولانش را رها نکرد و با بشارت به حفاظت از ایشان و رسالتشان، دل‌هایشان را در سخت‌ترین شرایط استوار و مستحکم نمود. پیامبر در آن شرایط ناامیدی مسلمانان که عده‌ای در محاصره شدید اقتصادی و اجتماعی قرار داشتند و با تدابیر شدید معاندان، شرایط هر لحظه برایشان سخت‌تر می‌شد و عده‌ای دیگر نیز به حبشه هجرت کرده بودند (ابن‌عاشور، ۱۴۲۱ق، ج ۱۹، ۲۲۴)، همچنان بیم آن بود تا همین اجتماع کوچک از مسلمانان رو به سردرگمی و زوال و ناامیدی بگذارد. این موقعیت اقتضا داشت که خداوند متعال به تثبیت قلب رسول‌الله و مؤمنان در آیات خویش به‌عنوان برنامه هدایت اشاره کند (جوادی آملی، بی‌تا، ج ۶۲، ۱۷۴). به این منظور، خداوند بخشی از ماجرای رسالت موسی را بیان کرد که او هم در دل شب سرد و تاریک، راهی بیابانی شد. موسی همچون پیامبر خانواده خود را وا گذاشت تا در پی یاری رود؛ اما ناگهان از مسیری که گمانش را نداشت، یاری الهی را دریافت کرد. پیامبر و مؤمنان نیز درحالی که نمی‌دانستند هجرت مسلمانان تا چه میزان می‌تواند به نفع اسلام و آنان باشد و همچنان از خطر تهدیدات و دشمنی‌های مشرکان بیمناک بودند، اما دل‌هایشان با آیات قرآن درباره ماجرای موسی استوار شد و به تحقق وعده یاری الهی امیدوار شدند (جوادی آملی، بی‌تا، ج ۲۷، ۵۴۱). به علاوه قرآن هم منشأ برکات فراوان: «وَهَذَا كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ مُبَارَكٌ» (انعام: ۱۵۵) و هم دارای خیر کثیر است: «إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ» (کوثر: ۱). همان‌گونه که خیر مبارک برای موسی رسیدن به نبوت و دریافت مقام رسالت بود، برای رسول‌الله و مؤمنان نیز در آن شرایط، قرآن و آیات الهی آن بود که با نزول تدریجی، آرامش قلب‌هایشان را فراهم می‌آورد.

۱. بنا به فرمایش امیرالمؤمنین: «كُنْ لِمَا لَا تَرْجُو أَرْجَى مِنْكَ لِمَا تَرْجُو.»: برای آنچه بدان امید نداری، نسبت به آنچه امید داری، امیدوارتر باش (کلینی، بی‌تا، ج ۵، ۸۳).



۵-۲. بشارت به نابودی باطل

بخش دوم از ماجرای حضرت موسی علیه السلام در سوره نمل شامل آیات ۱۰ تا ۱۴ است:

«وَأَلْقِ عَصَاكَ فَلَمَّا رَأَاهَا تَهْتَزُّ كَأَنَّهَا جَانٌّ وَلَّى مُدْبِرًا وَلَمْ يُعَقِّبْ يَا مُوسَى لَا تَخَفْ إِنِّي لَا يَخَافُ لَدَيَّ الْمُرْسَلُونَ. إِلَّا مَنْ ظَلَمَ ثُمَّ بَدَّلْ حُسْنًا بَعْدَ سُوءٍ فَإِنِّي غَفُورٌ رَحِيمٌ. وَأَدْخِلْ يَدَكَ فِي جَيْبِكَ تَخْرُجْ بَيْضَاءَ مِنْ غَيْرِ سُوءٍ فِي تِسْعِ آيَاتٍ إِلَى فِرْعَوْنَ وَقَوْمِهِ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ. فَلَمَّا جَاءَهُمْ آيَاتُنَا مُبْصِرَةً قَالُوا هَذَا سِحْرٌ مُؤْتَمِنٌ. وَجَحَدُوا بِهَا وَاسْتَيْقَنَتْهَا أَنفُسُهُمْ ظُلْمًا وَعُلُوًّا فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ»

پس از آنکه در آیات گذشته از رسیدن موسی علیه السلام به مقام نوبت پرده برداشت، در این آیات به برانگیختن ایشان به مقام رسالت اشاره می‌کند (طیب، ۱۳۸۶ش، ج ۱۰، ۱۱۲). از آنجاکه رسالت رسولان در برابر ظالمان و جبارانی چون فرعون و مشرکان نیاز به سندی محکم بر حقانیتشان دارد (معرفت، ۱۳۷۱ش، ج ۲، ۱۲۳)، خداوند به ایشان بشارت و اطمینان می‌دهد، مادامی که در حضور و مقام قرب اویند، نه تنها هیچ مکروهی به ایشان نخواهد رسید، بلکه همواره یاری و تأییدات الهی در مسیر حق و رسالت همراه آنان خواهد بود و حق بر باطل غلبه خواهد کرد؛ چراکه ارسال فردی به‌عنوان نبی از جانب خداوند اقتضا دارد مؤیدات الهی به دنبال بیاید تا هم بتواند با قوت و قدرتی استوار و مستمر در این مسیر قدم بردارد و به هدایت دیگران پردازد و هم بر توطئه‌های دشمنان غلبه کند (طباطبایی، ۱۳۷۴ش، ج ۲۰، ۱۸۹). در این راستا خداوند فرمود:

«وَأَلْقِ عَصَاكَ فَلَمَّا رَأَاهَا تَهْتَزُّ كَأَنَّهَا جَانٌّ وَلَّى مُدْبِرًا وَلَمْ يُعَقِّبْ يَا مُوسَى لَا تَخَفْ إِنِّي لَا يَخَافُ لَدَيَّ الْمُرْسَلُونَ. إِلَّا مَنْ ظَلَمَ ثُمَّ بَدَّلْ حُسْنًا بَعْدَ سُوءٍ فَإِنِّي غَفُورٌ رَحِيمٌ» (نمل: ۱۰-۱۱) کلمه «جَانٌّ» به معنای مار کوچک نر است که با سرعت در حرکت است (ابن‌عاشور، ۱۴۲۱ق، ج ۱۹، ۲۲۴).

در این عبارات خداوند به موسی علیه السلام دستور می‌دهد که عصایش را بیفکند. همین‌که عصایش را افکند، ناگهان به اژدهایی تبدیل شد که به‌سرعت حرکت (صادقی‌تهرانی، ۱۳۶۵ش، ج ۲۲، ۱۴۴) و همچون یک مار کوچک جست‌وخیز می‌کرد. موسی علیه السلام با دیدن این منظره که یک چوب‌دستی به اژدهایی عظیم‌الجثه و هول‌انگیز تبدیل شد، اما همچون ماری کوچک جست‌وخیز می‌کرد و می‌دود، به عقب فرار کرد (طوسی، ۱۴۱۳ق، ج ۸، ۷۷؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ش، ج ۲۸، ۱۵۴؛ مدرسی، ۱۴۱۹ق، ج ۹، ۱۶۰). چراکه دیدن این صحنه بی‌سابقه و خارق‌العاده، به صورت طبیعی

ایجاد ترس می‌کرد و فرار از آن مذموم نیست (قمی مشهدی، ۱۴۲۳ق، ج ۹، ۵۳۴)؛ خصوصاً برای کسی که هیچ سلاحی برای دفاع ندارد و حتی عصایی هم که تنها سلاح او بود، به آن صورت هول‌انگیز در آمد (طبری، ۱۳۸۷ق، ج ۱۹، ۸۳؛ بیضاوی، ۱۴۱۸ق، ج ۴، ۱۵۵). خداوند با نهی مطلق «لَا تَخَفْ» فرمود: «ای موسی، نترس که رسولان نزد من نمی‌ترسند.» و او را از تمامی ترسیدنی‌ها که ممکن است پیش آید امنیت داد؛ زیرا مقام قرب و حضور الهی ملازم با امنیت است و ممکن نیست امنیت با مکره‌هی جمع شود (مغنیه، ۱۳۷۸ش، ج ۶، ۹؛ طبرسی، بی‌تا، ج ۷، ۳۳۱). لازم به ذکر است که تبدیل شدن عصای موسی علیه السلام به اژدها محوری‌ترین معجزه الهی برای موسی علیه السلام است که در دو مورد حادث شد: یکبار در آغاز رسالت او و هنگام ملاقات با خداوند و مرتبه دیگر در مقابل فرعونیان و ساحران (طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۱۸، ۸۱).

گرچه خداوند در این آیات، ایجاد اطمینان و آرامش قلبی و دوری از عذاب الهی را برای مرسلین معرفی می‌کند، استثنای مذکور در آیه منقطع است (طوسی، ۱۴۱۳ق، ج ۸، ۷۸؛ بیضاوی، ۱۴۱۸ق، ج ۴، ۱۵۵). اهل توبه از غیر مرسلین نیز که بدی را به نیکی مبدل کنند (طباطبایی، ۱۳۷۴ش، ج ۲۰، ۲۴۵؛ طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۷، ۳۳۲) مورد رحمت و مغفرت الهی قرار می‌گیرند (صادقی تهرانی، ۱۳۶۲ش، ج ۲۲، ۱۴۴؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ش، ج ۲۸، ۱۹۸) و مانند مرسلین ترسی نخواهند داشت.

بشارت به غلبه حق بر باطل هنگامی معنا پیدا می‌کند که علاوه بر ایجاد اطمینان و آرامش در قلب و اقدام رسولان در مسیر رسالتشان، آن‌ها به سلاحی غالب و قاهر بر دشمن و باطل نیز مجهز شوند. خداوند موسی علیه السلام را نیز با ارسال معجزات متعدد، در برابر خصم زمانه‌اش یعنی فرعون و قومش تأیید و تجهیز کرد (بحرانی، ۱۴۱۵ق، ج ۴، ۲۰۱).

در ادامه معجزه قبل، دومین معجزه موسی علیه السلام را چنین معرفی کرد: «وَأَدْخُلْ يَدَكَ فِي جَيْبِكَ تَخْرُجَ بَيْضًا مِنْ غَيْرِ سُوءٍ فِي سِتْعِ آيَاتٍ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَقَوْمِهِ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ» (نمل: ۱۲). پروردگار از نورانیت و درخشندگی دست موسی علیه السلام با عنوان معجزه باد می‌کند (عروسی حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۴، ۷۴؛ آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۰، ۱۶۲).

حکمت تنوع و تعدد معجزات موسی علیه السلام آن بود که قوم فرعون گروهی قدرتمند و از طبقه ممتاز بودند. این قدرت اجتماعی محصول آب و خاک حاصل خیز و تولید ثروت فراوان در مصر



بود (بهجت‌پور، ۱۳۹۰ش، ج ۴، ۱۵۸). غرور ناشی از ثروت و قدرت آنان، تنها با غلبه قدرت قاهره الهی که صاحب اختیار هستی است، قابل مقابله بود. عمق غرور و فسق این قوم ایجاب می‌کرد تا ثروت و قدرتشان به‌طور مکرر و از راه‌های گوناگون تهدید شود و بدانند که همه راه‌های ثروت‌اندویشان در معرض تهدید و نابودی قرار دارد؛ تا شاید به‌خود آیند و به مسیر بندگی بازگردند؛ ازین‌رو، خداوند متعال خواست با نشان دادن نُه نشانه در هستی، آنان را از خواب غفلت بیدار کند (طوسی، ۱۴۱۳ق، ج ۸، ۸۰؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۲۴، ۵۴۶).

مشرکان و کفار زمان پیامبر ﷺ نیز همانند مردم مصر از ثروت و قدرت فراوانی برخوردار بودند. آنان ورود اسلام و گسترش یافتن آن را عامل از دست رفتن مطامع دنیوی و هواخواهی خویش می‌دانستند و لذا دست به محاصره اجتماعی و اقتصادی رسول‌الله ﷺ و یارانش زدند. خداوند با بیان رفتار فرعونیان با موسی ﷺ، عناد و ایمان نیاوردن قریشیان خصم به معجزات و نشانه‌های آشکار الهی (جوادی آملی، ۱۳۸۱ش، ج ۴، ۱۵۱) را برای پیامبر ﷺ و پیروانش پیش‌بینی کرد و با بشارت به نابودی کفار و مشرکان، نور امید را در دل مؤمنان برافروخت و ایشان را در مسیرشان استواری و ثبات قلبی و عملی داد. قرآن کریم که مهم‌ترین و محوری‌ترین معجزه پیامبر ﷺ است، همچون سلاحی نورانی در دست رسول‌الله ﷺ هدایت امتش را پیش گرفته بود؛ به‌گونه‌ای که در مدتی کوتاه از نزول آیات الهی و دعوت پیامبر ﷺ، حتی با وجود ایجاد خفقان از سوی مشرکان و کفار برای ایمان‌آوردگان به کلام الهی، شاهد پذیرش دعوت پیامبر ﷺ از سوی عده‌ای قابل توجه از مؤمنان بودیم. همین امر موجب ایجاد دشمنی معاندان به انحاء گوناگون بود تا نور ایمان و قرآن را خاموش کنند؛ اما خداوند با طرح داستان موسی ﷺ در اعطای معجزه به او برای هدایت قومش، به پیامبر ﷺ بشارت می‌دهد که مسیر حق و حقیقت همواره با سختی‌های بسیار مخالفان و معاندان همراه بوده، اما اراده الهی در طول تاریخ بر نابودی باطل و غلبه حق بر آن و دستیابی به سعادت و کمال غایی برای پیروان آن تعلق گرفته است.

منکران نبوت، به دلیل آنکه پیام رسالت انبیا و فرستادگان الهی را مخالف منافع خویش می‌دانستند، در برخورد با پیام الهی رسولان، اتهامات متعددی به ایشان وارد و دعوتشان را انکار می‌کردند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۵، ۳۲۶)؛ همان‌گونه که به موسی ﷺ چنین تهمت زدند: «فَلَمَّا جَاءَتْهُمْ آيَاتُنَا مُبْصِرَةً قَالُوا هَذَا سِحْرٌ مُّبِينٌ. وَجَحَدُوا بِهَا وَاسْتَيْقَنَتْهَا أَنفُسُهُمْ ظُلْمًا وَعُلُوًّا فَانظُرْ كَيْفَ

كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ» (نمل: ۱۳-۱۴). این آیات با پرداختن به موانع و چالش‌هایی که در طول تاریخ همواره از سوی مخالفان و معاندان متوجه پیامبران الهی بود، روش‌های خداوند متعال برای مقابله با آن‌ها را تبیین می‌کند.

انکار معاندان، ناشی از قبح فعلی و ستمگری و یقین درویشان، حکایت از قبح فاعلی و تکبر و برتری طلبی آنان داشت؛ از این رو، با وجود آنکه آیات و نشانه‌های الهی همواره روشنی‌بخش و بینش‌آور بود (طبرسی، ۱۳۷۵ ش، ج ۷، ۳۳۲)، غریزه و میل فرعونیان و متعصبان لجوج تاریخ همواره بر آن بود که با علم و آگاهی و از سر لجاجت، تنها مطامع قدرت و ثروت خواهیشان را ببینند و برخلاف عقل و فطرتشان، حق و حقیقت را نادیده بگیرند و با غرور و سرکشی در برابر خداوند، آیات روشن الهی تأویل کنند (آلوسی، ۱۴۱۵ ق، ج ۱۰، ۱۶۴). بنابراین، گرچه فرعونیان در هر زمان نشانه‌های الهی را انکار می‌کردند، در درون خود به درستی‌اش یقین داشتند؛ زیرا انکار آنان منشأ علمی نداشت، بلکه انگیزه اخلاقی داشت (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ ش، ج ۲۸، ۳۱۵). خوی ستم‌کاری و برتری‌جویی بر دیگران، آنان را به انکار حقیقت و فساد در افراد و جوامع کشانده بود (جوادی آملی، بی‌تا، ج ۶۲، ۲۱۶)؛ زیرا انکار آیات الهی و رسولان، علاوه بر فاسد کردن منکران، ایشان را گروهی مروج فساد و تباهی برای خود و جامعه کرده بود.

فعل «جَحَدَ» اشاره به امری دارد که شخص به امر موجود علم و آگاهی داشته و بدان امر جاهل نباشد، اما علی‌رغم علم بدان، آن را انکار کند (راغب اصفهانی، ۱۳۸۸ ش، ۱۸۹)؛ به عبارتی دیگر اگر انسان به چیزی یقین داشته باشد، اما در باطن یا ظاهر در مقابل آن تسلیم نباشد، ایمان برایش محقق نشده، بلکه دارای کفر جحودی است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ ش، ج ۲۸، ۳۱۷). امام صادق (علیه السلام) در روایتی با استناد به آیه ۱۴ سوره نمل، یکی از اقسام کفر را «کفر جحود» برشمرده است:

وَهُوَ أَنْ يَجْحَدَ الْجَاهِدُ وَهُوَ يَعْلَمُ أَنَّهُ حَقٌّ قَدْ اسْتَقَرَّ عِنْدَهُ، وَقَدْ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: «وَجْحَدُوا بِهَا وَاسْتَيْقَنَتْهَا أَنْفُسُهُمْ»: جحود چیزی است که انسان آن را انکار کند، در حالی که می‌داند آن چیز حق و نزد او ثابت است (کلینی، بی‌تا، ج ۲، ۲۸۷).

معاندان لجوج و متعصب برای پذیرفتن حق و حقیقت و توجیه مخالفت‌هایشان با انبیای الهی



و ایجاد سدی بر سر راه ایمان آورندگان (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ش، ج ۱۰، ۳۰۱)، راهی جز انکار حقیقت آیات و نشانه‌های آشکار الهی (مراغی، ۱۳۶۱ق، ج ۱۹، ۱۲۵) و متهم کردن پیامبران به سحر و ساحری نداشتند (خطیب، ۴۲۴ق، ج ۱۰، ۲۲۲).

خداوند نیز همواره با بشارت به گروه مؤمن در هر قوم و ملتی، پیروزی و غلبه حق بر باطل را بشارت می‌دهد و پیروان حق و حقیقت را مشمول سعادت و کمال غایی می‌داند. در این آیات از ماجرای موسی علیه السلام نیز معجزات آن حضرت را به‌عنوان عاملی دفاعی و نه اثباتی از جانب خداوند متعال، بر فرد برگزیده با عنوان «نبی» (معرفت، ۱۳۷۱ش، ج ۲، ۱۲۳) سخن رانده تا وعده و بشارت دیگری را به جامعه مؤمنان و پیامبرش دهد و تأکید کند که قدرت‌ها و روش‌های باطل نابودشدنی و قدرت خداوند بر تمامی قدرت‌ها قاهر است و شکست جریان مقاوم در برابر پروردگار قطعی است.

مخاطب قرار دادن پیامبر علیه السلام با این آیات از داستان موسی علیه السلام، در شرایطی بود که جمعیت مؤمنان به تازگی آشکار شده بود؛ اما به دلیل دشمنی‌های متعصبانه و کینه‌توزانه کفار و مشرکان در ایجاد محاصره اجتماعی و اقتصادی و حتی دوری عده‌ای از مؤمنان از وطن و دیارشان به سوی حبشه، اقتضا می‌کرد که علاوه بر آنکه خداوند متعال پیامبر علیه السلام را با سلاحی مستحکم و مقتدر، یعنی آیات الهی قرآن به‌عنوان معجزه، تأیید کند و به ناپودی باطل نیز بشارت و نوید دهد تا ایشان و پیروانش بر مسیر حق و حقیقتی که اینک در آغاز آن هستند، مطمئن شوند و در نهایت ثبات قلبی، استوارانه قدم بردارند.

پروردگار با تجهیز موسی علیه السلام به معجزات، او را به‌سوی قومش روانه کرد. قوم او با اینکه خود متقاضی اعجاز بودند، با انکار معجزات، آن‌ها را سحری آشکار نامیدند (طباطبایی، ۱۳۷۴ش، ج ۲۰، ۲۸۷). این انکار و لجاجت در مواجهه معاندان با معجزات الهی، نشانه پذیرش الهی و فرابشری دانستن معجزات از سوی معاندان دارد؛ بنابراین آنان از یک‌سو توان معارضه با معجزات را نداشتند و از سوی دیگر روحیه عناد آنان در مخالفت و گردن‌فرازی در برابر خداوند و رسولش، موجب شد آورنده معجزه را به ساحری، جادوگری، کاهنی و جنون متهم کنند.

خداوند به پیامبر علیه السلام یادآور می‌شود که ما موسی علیه السلام را به معجزات نه‌گانه حسی تجهیز کردیم و او را به سوی فرعون فرستادیم. فرعونیان با آنکه قلباً می‌دانستند این معجزات از سوی خداوند



است، از روی ستم و برتری جویی آن‌ها انکار کردند و عناد ورزیدند (جوادی آملی، ۱۳۷۹ش، ج ۱۰، ۳۸۳)؛ از این رو، با برحذر داشتن رسول الله صلی الله علیه و آله از هرگونه هراسی در مسیر تبلیغ رسالت، او را به پیروزی در برابر کفار و مشرکان بشارت داد و بر تثبیت قلب و استواری اراده و صبر و بردباری بر مسیر حق تأکید کرد. به عبارت دیگر، خداوند متعال با یادآوری جریان موسی علیه السلام و قومش برای رسول الله صلی الله علیه و آله آشکار می‌کند که تزیین کارها و کوری از درک حقیقت، بی‌سابقه نیست. طبق آیه «وَلَقَدْ كُذِّبَتْ رُسُلٌ مِنْ قَبْلِكَ فَصَبَرُوا عَلَىٰ مَا كُذِّبُوا وَأُوذُوا حَتَّىٰ أَنَّهُمْ نَصَرْنَا» (انعام: ۳۴)، او پیامبر صلی الله علیه و آله را به حوادث گذشته پیوند می‌دهد و بیان می‌کند که این سنتی است که پیامبران پیشین هم آن را تجربه کردند و اگر امروز کافران مکه در برابر پیامبر صلی الله علیه و آله و دلایل روشن و کلام منطقی او موضع می‌گیرند، پیش از او نیز موسی علیه السلام را تکذیب و با او مخالفت کردند و عاقبت کسانی که گرفتار فساد و فسقی شوند که در بی‌ایمانی به آخرت ریشه داشته باشد، چیزی جز تکذیب آیات نیست؛ تکذیبی که نه به دلیل جهل، بلکه با انگیزه‌های فاسد انجام می‌شود و در این حال، گوناگونی و بینش‌افزایی آیات نیز سودی ندارد.



نتیجه گیری

قاعده قرآنی، تثبیت قلب و تقویت و استواری روحی پیامبر ﷺ، در انجام رسالت و تحمل مشکلات آن بود که با نزول تدریجی آیات الهی در مواقف گوناگون و قالب‌هایی چون داستان انبیای الهی، حکایت از ارتباط مستمر و پیوسته پروردگار با پیامبر ﷺ از طریق وحی دارد؛ لذا ارتباط و حیانی، علاوه بر در برداشتن موضوعات، طرح مسائل و پاسخ چالش‌ها و شبهات، نشانه‌ای مستحکم بر ثبات قلب پیامبر ﷺ در طریق حق و پشتیبانی الهی از فرستاده خویش در تمامی مراحل رسالت بود.

آشکار شدن جمعیت تازمسلمانان در حدود سال ششم بعثت، خشم و کینه مشرکان را برانگیخت؛ به گونه‌ای که با ایجاد محاصره سخت اجتماعی و اقتصادی مسلمانان، موجب حصر عده‌ای از آن‌ها در شعب ابی‌طالب و هجرت عده‌ای دیگر به حبشه شدند. نزول بخشی از آیات ماجرای موسی ﷺ در سوره نمل، گویای وعده بشارت الهی به مؤمنان در دورویکرد بشارت به یاری و مدد الهی و بشارت به نابودی باطل، در شکل‌گیری و تقویت هویت اجتماعی ایمانی ایشان و همچنین بشارت به غلبه و حکومت همه گروه‌های مستضعف مؤمن بر مستکبران عالم بود. خداوند متعال از یک‌سو، با طرح شباهت میان سختی‌های مسیر رسالت تمام انبیای الهی، رسول‌الله ﷺ و مؤمنان را برای مواجهه با فشارها و توطئه‌های کفار و مشرکان که اکثریت غالب مکه را تشکیل می‌دادند، به مدد الهی بشارت مقاوم می‌سازد تا با ثبات قلب پیامبر ﷺ، راهبری جامعه نوپای ایمانی را به انجام رساند و مشقت‌های طریق رسالت به سوی کمال و سعادت و به‌طور کلی گسترش دعوت جهانی اسلام را به‌خوبی پشت سر نهد؛ از سوی دیگر، با بشارت به نابوی باطل و پیروزی حق و فائق آمدن بر توطئه‌های خصم نشان می‌دهد، همواره قدرت‌طلبی و برتری‌جویی فردی و اجتماعی عده‌ای معاند، از در برابر حق وجود داشته است؛ از این‌رو، پیامبر ﷺ و مؤمنان را از شکست جریان مقاوم در برابر منطبق انبیا آگاه نمود و با بیان اینکه شبهات کفار ریشه در عناد و لجاجتشان دارد نه جهل آنان، به مؤمنان بشارت غلبه و پیروزی نهایی داد. خداوند با اطمینان‌بخشی به جامعه مؤمنان تمامی اعصار و امصار، تحقق پیروزی نهایی ایشان را برابر جریان معاند بشارت داد تا مؤمنان در فضای آلوده به انواع شرک و گناه به خدا و رسولش ایمان آورند و صف خود را از جریان لجوج جدا سازند و در نتیجه، مشمول عنایت الهی شوند و از عذاب و هراس مصون مانند.

منابع

قرآن کریم

منابع فارسی

- انصاری، عبدالله (۱۳۷۱ش). کشف الأسرار و عدة الأبرار، تهران: امیرکبیر.
- بهجت پور، عبدالکریم (۱۳۹۰ش). تفسیر همگام با وحی، قم: موسسه فرهنگی التمهید.
- پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت الله خامنه‌ای، موسسه انقلاب اسلامی: WWW.KHAMENEI.IR
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۹ش). ادب فنای مقربان، قم: اسراء.
- (۱۳۸۱ش). سروش هدایت، قم: اسراء.
- (بی تا). تفسیر تسنیم، قم: اسراء.
- حسینی همدانی، محمدحسین (۱۴۰۴ق). تفسیر أنوار درخشان، تهران: لطفی.
- شاه عبدالعظیمی، حسین (۱۳۶۳ش). تفسیر اثنی عشری، تهران: میقات.
- شریف لاهیجی، قطب الدین (۱۳۷۳ش). تفسیر شریف لاهیجی، تهران: نشر داد.
- شهیدی، سیدجعفر (۱۳۹۰ش). تاریخ تحلیلی اسلام، تهران: سمت.
- طیب، سید عبدالحسین (۱۳۸۶ش). اطیب البیان فی تفسیر القرآن، تهران: سبطين.
- فراست خواه، مقصود (۱۳۷۶ش). زبان قرآن، تهران: نشر علمی و فرهنگی.
- قرآتی، محسن (۱۳۸۸ش). تفسیر نور، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- قرشی، سید علی اکبر (بی تا). قاموس قرآن، تهران: اسلامیه.
- قنادی، صالح (۱۳۸۹ش). قصه‌های قرآن، قم: نشر المصطفی.
- کاشانی، ملا فتح الله (۱۳۸۶ش). تفسیر منهج الصادقین، تهران: طهور.
- کاظمی، شهاب (۱۳۷۹ش). آفرینش هنری در داستان ابراهیم علیه السلام، قم: أحسن الحديث.
- مدرسی، سید محمد تقی (۱۳۷۷ش). تفسیر هدایت، مشهد: آستان قدس رضوی.
- مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۸۷ش). اخلاق در قرآن، قم: موسسه امام خمینی (ره).
- مغنیه، محمد جواد (۱۳۷۸ش). تفسیر کاشف، قم: بوستان کتاب.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱ش). تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

منابع عربی

- آلوسی، سید محمود (۱۴۱۵ق). روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن سعد، عمر (۱۴۱۰ق). الطبقات الکبری، بیروت: دارصادر.
- ابن عاشور، محمد طاهر (۱۴۲۱ق). تفسیر التحریر و التتویر، بیروت: مؤسسه التاريخ العربی.
- ابن فارس، احمد (۱۳۹۹ق). معجم مقاییس اللغه، بیروت: دارالفکر.
- ابن کثیر، اسماعیل بن عمرو (۱۴۱۹ق). تفسیر القرآن العظیم، بیروت: دارالکتب العلمیه.



- ابن منظور، محمد (۱۴۱۴ق). لسان العرب، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ابن ہشام، عبدالملک (بی تا). السیرہ النبویہ، تحقیق عبدالحفیظ شبلی، بیروت: دارالمعرفہ.
- ابوشہبہ، محمد بن محمد (۱۴۲۳ق). المدخل لدراسة القرآن الکریم، قاہرہ: مکتبہ السنہ.
- بحرانی، سیدہاشم (۱۴۱۵ق). البرہان فی تفسیر القرآن، قم: مؤسسہ البعثہ.
- بلاذری، احمد (۱۴۱۷ق). جمل من الانساب الاشراف، بیروت: دارالفکر.
- بیضاوی، عبداللہ بن عمر (۱۴۱۸ق). انوارالتنزیل و أسرارالتأویل، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ثعلبی، احمد بن محمد (۱۴۲۲ق). تفسیر الکشف والبیان عن تفسیر القرآن، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- حاکم حسکانی، عبداللہ بن احمد (۱۴۱۱ق). شواہد التنزیل لقواعد التفضیل، تہران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- حکیم، سید محمد باقر (۱۴۱۷ق). علوم القرآن، قم: مجمع الفکر الاسلامی.
- خضری، محمد بک (۱۳۹۲ش). تاریخ الشریع الاسلامی، تہران: احسان.
- خطیب، عبدالکریم (۱۴۲۴ق). التفسیر القرآنی للقرآن، بیروت: دارالفکر.
- رازی، ابوالفتح (۱۳۷۲ش). روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، مشهد: آستان قدس رضوی.
- راغب اصفہانی، حسین بن محمد (۱۳۸۸ش). المفردات فی غریب القرآن، قم: نوید اسلام.
- زمخشری، محمود بن عمر (۱۴۰۷ق). الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجہ التأویل، بیروت: دارالکتب العربی.
- سیوطی، جلال الدین (۱۴۰۴ق). الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، قم: مکتبہ آیت اللہ المرعشی النجفی (رہ).
- شرف الدین، جعفر (۱۴۲۰ق). الموسوعة القرآنیة خصائص السور، تحقیق عبدالعزیز بن عثمان التویجیزی، بیروت: دارالتقرب بین المذاهب الإسلامیة.
- صادقی تہرانی، محمد (۱۳۶۵ش). الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنہ، قم: فرہنگ اسلامی.
- صبحی صالح (۱۳۷۲ش). مباحث فی علوم القرآن، قم: الشریف الرضوی.
- طباطبائی، سید محمد حسین (۱۳۷۴ش). المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت: الأعلمی للمطبوعات.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲ش). مجمع البیان، تہران: ناصر خسرو.
- طبری، محمد بن جریر (۱۳۸۷ق). تاریخ الامم و الملوک، بیروت: دارالتراث.
- طریحی، فخرالدین (بی تا). مجمع البحرین، تہران: مرتضوی.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۳ق). التبیان فی تفسیر القرآن، قم: النشر الاسلامی.
- عروسی حویزی، علی بن جمعه (۱۴۱۵ق). تفسیر نورالثقلین، قم: اسماعیلیان.
- فخر رازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰ق). التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- فراہیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ق). العین، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.
- فضل اللہ، سید محمد حسین (۱۴۱۵ق). من وحی القرآن، بیروت: دارالملاک.
- قطب، سید (۱۳۳۵ش). فی ظلال القرآن، تہران: نشر علمی.
- قمی، علی بن ابراہیم (۱۴۰۴ق). تفسیر القمی، قم: دارالکتب.
- قمی مشہدی، محمد رضا (۱۴۲۳ق). تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، قم: دارالغدیر.
- کلینی، محمد بن یعقوب (بی تا). اصول کافی، بیروت: بی جا.
- مدرسی، سید محمد تقی (۱۴۱۹ق). من ھدی القرآن، بیروت: دار محیی الحسنین علیہ السلام.



- المرأغی، احمد مصطفیٰ (۱۳۶۱ق). تفسیر المرأغی، بیروت: دارالفکر.
- مصطفوی، حسن (۱۳۶۸ش). التحقیق فی کلمات القرآن، تهران: وزارت ارشاد اسلامی.
- معرفت، محمد هادی، (۱۳۷۱ش). التمهید فی علوم القرآن، قم: موسسه التمهید.
- الیوسفی غروی، الشیخ محمد هادی (بی تا). موسوعة التاریخ الاسلامی، قم: مجمع الفکر الاسلامی.

COPYRIGHTS

@2023 by the authors. Licensee University of Quranic Studies and Sciences This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0)

<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>

